

پنجشنبه ۱۱ آذر ماه ۱۴۰۰ • ۱۴۴۳ ربیع الثانی ۲۶ • 2 Dec 2021



# نگاهی به رسانه‌ها

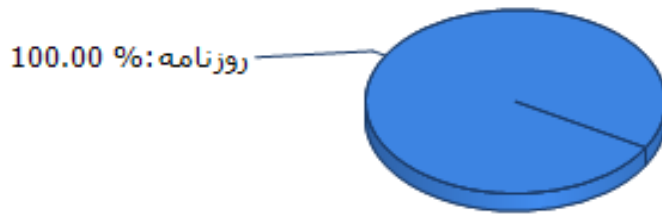
## بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه‌ها

## تعداد کل محتوا : ۱۸



روزنامه

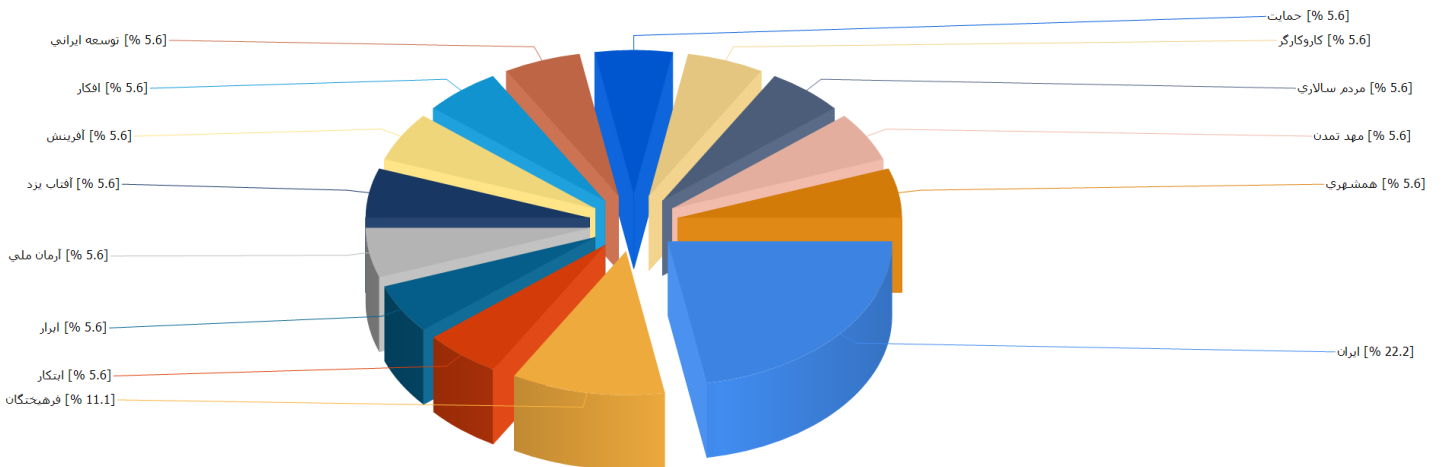
۱۸



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

درصد فراوانی	فراوانی	نام منبع	ردیف
۲۲/۲	۴	ایران	۱
۱۱/۱	۲	فرهیختگان	۲
۵/۶	۱	ابتکار	۳
۵/۶	۱	ابرار	۴
۵/۶	۱	آرمان ملی	۵
۵/۶	۱	آفتاب یزد	۶
۵/۶	۱	آفرینش	۷
۵/۶	۱	افکار	۸
۵/۶	۱	توسعه ایرانی	۹
۵/۶	۱	حمایت	۱۰
۵/۶	۱	کاروکارگر	۱۱
۵/۶	۱	مردم سالاری	۱۲
۵/۶	۱	مهد تمدن	۱۳
۵/۶	۱	همشهری	۱۴
۱۰۰	۱۸	جمع کل	

## نمودار فراوانی و درصد مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



## فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	<b>اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب</b>	
۷	مسئولان تئاتری باید سریعتر تصمیم گیری کنند	آرمان ملی
۸	«مانستر» در «شهرزاد»	آفتاب یزد
۹	نمایش معبد کوه گاتیس در شهرستان پیشوا به روی صحنه رفت	آفرینش
۱۰	«میرزا کوچک جنگلی» شخصیتی بین المللی است	ابتکار
۱۱	می خواهیم با خواندن این گف توگو خنده بر لبان مردم بنشانم	ابزار
۱۲	تصمیم گیری برای استفاده از ظرفیت ۱۰۰ درصدی تئاترها سریع تر باشد	افکار
۱۳	جغرافیای جهانی به نام مدرسه	ایران
۱۴	لکنت	ایران
۱۵	ما زنده خواهیم ماند	ایران
۱۶	مصایب آن نسل خشمگین	ایران
۱۷	همه بن بست ها برای دفاع از یک نمایش	توسعه ایرانی
۱۸	تماشاگران تئاتر را زنده نگه می دارند	حمایت
۱۹	تصمیم گیری برای استفاده از ظرفیت صددرصدی تئاترها	فرهیختگان
۲۰	کهنه سواران در فراموشخانه مدیران	فرهیختگان
۲۱	بازار کسب و کار تئاتر بعد از تاخت و تاز «کرونا» کساد شده است	مردم سالاری
۲۲	تئاتر پیشران سایر هنرهاست	مهد تمدن
۲۳	همچنان با صندلی های خالی	همشهری
۲۴	نخستین جشنواره اقوام ایرانی را به میزبانی قرچک برگزار خواهیم کرد	کاروکارگر



## ◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



## تئاتر

مجید رجبی معمار:

مسئولان تئاتری باید سریعتر  
تصمیم گیری کنند

رئیس تماشاخانه ایرانشهر معتقد است تئاتر نیز به مانند سینما باید از ظرفیت ۱۰۰ درصدی سالن های خود بهره مند شود و در این بین مسئولان تئاتری باید سریعتر تصمیم گیری کنند. مجید رجبی معمار گفت: طبیعتاً تدبیری که برای سینما شده، تدبیر درستی است. با توجه به شرایط مجموعاً مناسبی که به دلیل افزایش میزان واکسیناسیون و پایین آمدن سطح مخاطرات کرونا در کشور هست که البته مستلزم رعایت قواعد بهداشتی و پروتکل هاست، باعث شده تا مسئولان با توجه به اشتیاق مردم برای حضور در مراکز فرهنگی و هنری از جمله، سینماها، فضاهای تئاتری و نمایشگاه ها دارند به این نتیجه برسند که از ظرفیت ۱۰۰ درصدی سالن های سینما استفاده کنند که این موضوع مورد توافق قرار گرفت و از سوی ریاست سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز اعلام شد. وی متذکر شد: متأسفانه تصمیم گیری در حوزه تئاتر و هنر نمایش خیلی کند بوده و اگر تصمیمی هم گرفته می شود غیررسمی اعلام می شود. خیلی کند و دیر تصمیم گرفته می شود و خیلی مشخص و جدی تصمیم را اعلام و ابلاغ نمی کنند. رجبی معمار با بیان اینکه وضع سینما قبل از پیک گذشته هم بهتر از تئاتر بود زیرا مسئولان سینما خیلی سریع تر و به نظر من خیلی هوشمندتر عمل کرده اند، یادآور شد: مسئولان تئاتر ما همیشه در این موضوع تاخیر داشته اند. الان انتظار داریم که مسئولان تئاتر نیز خیلی سریع تصمیم گیری کنند. وقتی اقدامات بهداشتی و پروتکل های بهداشتی در سالن های تئاتر رعایت می شود باید این اجازه را بدهند که سالن های تئاتر هم از ظرفیت ۱۰۰ درصدی خود استفاده کنند. مدیرعامل خانه هنرمندان ایران با اشاره به اینکه استقبال مردم از نمایش ها و همچنین گالری ها خیلی خوب است، گفت: این امر نشانگر این است که مردم به شدت نیازمند استفاده مناسب از اوقات فراغت، تفریح و استفاده از ظرفیت های هنری هستند. امیدواریم مسئولان تئاتر هم هوشمندانه این همکاری را انجام دهند تا استفاده از ظرفیت ۱۰۰ درصدی در تئاتر هم اجرایی شود. رئیس تماشاخانه ایرانشهر در پایان سخنان خود تأکید کرد: مشکل این است که در تئاتر خیلی کند و آرام تصمیم گیری می شود. موضوع استفاده از ظرفیت کامل سالن های تئاتر ارتباط مستقیمی با اقتصاد گروه های تئاتری دارد. گروه های تئاتری و سالن های تئاتر خیلی زحمت می کشند و هزینه می کنند و مردم نیز علاقه مند به حضور در سالن های تئاتر هستند، خواهش ما هم این است که هماهنگی و تصمیم گیری مسئولان تئاتر سرعت داشته باشد.

## «مانستر» در «شهرزاد»



نمایش «مانستر» به کارگردانی کورش شاهونه و تهیه کنندگی سجاد افشاریان از ۱۴ آذر در تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود. این نمایش تحسین شده از نگاه منتقدان و مخاطبان در سال ۹۸ به دلیل تعطیلی‌های عمومی شرایط کرونا در

نیمه راه به اجراهایش پایان داد و حالا با توجه به بهبود وضعیت عمومی و واکسیناسیون گسترده از ۱۴ آذرماه ۱۴۰۰ بار دیگر در پردیس تئاتر شهرزاد اجرا می‌شود. ابراهیم نائیج، علی حسین زاده، علیرضا کرمی و ریحانه رضی در این نمایش ایفای نقش می‌کنند. به گزارش صبا، «مانستر» بر پایه پژوهشی پیرامون بیماری اسکیزوفرنی براساس طرحی از کوروش شاهونه توسط حمیدرضا اسدزاده و کورش شاهونه نوشته شده است.



## نمایش "معبد کوه گاتیس" در شهرستان پیشوا به روی صحنه رفت

پیشوا- امیرحسین صادقلی

نمایش "معبد کوه گاتیس" نوشته جمال فوادیان که اقتباسی از شاهنامه حکیم فردوسی و برداشتی آزاد را روایت می کند به کارگردانی حسن پورگل محمدی در تماشاخانه مهرگان پیشوا بر روی صحنه رفت. به گزارش خبرنگار آفرینش، داستان "معبد کوه گاتیس" که در آذربایجان شرقی رخ داده است تلفیقی از عشق و کینه، خوبی و بدی، زیبایی و پلیدی است که عالمی را مبهوت تماشای خود می کند. در این اثر هنری بازیگران عرصه تئاتر چون: طیبه ابراهیم، طاهره ابراهیمی، حسن پورگل محمدی، امیرعباس توفیقی، مجتبی خمسه و دیگر بازیگران برجسته حضور دارند.

## «میرزا کوچک جنگلی» شخصیتی بین المللی است

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان:

متأسفانه انجام نشد. وی با بیان اینکه در دوران مبارزات نهضت جنگل، میرزا کوچک تنها به فکر مبارزه با استبداد نبود بلکه رسیدگی به احوال مردم و کمک به آنها نیز در اولویت‌های او قرار داشت، گفت: این موضوع در گیلانی‌ها نهادینه شد همان گونه که در جنگ تحمیلی شاهد اعزام هزار و ۵۰۰ کامیون از کمک‌های مردم این استان به جبهه بودیم.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان با اشاره به اینکه بدترین کار این است که یک مفهوم تبدیل به عدد شود، اضافه کرد: زمانی که به عدد تبدیل می‌شود یعنی اینک منطق ریاضی بر آن حاکم است و در این منطق تفکر به معنای خاص مورد توجه نیست. وی با بیان اینکه انسان برای اینکه از عدد خارج و به ذات اصلی خود برسد نیازمند سه چیز دارد که متأسفانه نه جامعه شناسان و نه روان شناسان درباره آن به درستی صحبت نکرده‌اند، ادامه داد: عشق، ایمان و امید این سه مؤلفه است که اگر انسان آن را داشته باشد به بودگی و یا همان ذات خود باز می‌گردد.

فاضلی با اشاره به اینکه هنر در تمام جهان مرز ندارد و بودگی انسان را می‌شناسد، گفت: هنر و فرهنگ دو مورد عاملیت (انسان) و کلیت (توجه به همه نیازهای انسانی) را با خود به همراه دارند و تکه برداری در هنر معنایی ندارد. وی در ادامه با بیان اینکه نظارت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان در زمینه تئاتر و اجرای نمایش‌ها راهبردی است نه تجویزی، افزود: تئاتر جنبه‌های بین المللی دارد و باید در این مسیر حرکت کنیم.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان با اشاره به اینکه می‌دانیم که امکانات زیادی در بخش‌های هنری و فرهنگی نداریم اما اینکه راه و مسیر را برای فعالیت هنرمندان و اهل قلم نبندیم بالاترین ارزش است، تأکید کرد: قطعاً زمانی که هم امکانات و هم منابع مالی وجود داشت می‌توانستیم شاهد پیشرفت فعالیت فرهنگی و هنری باشیم که نبودیم.

وی با تأکید بر اینکه باور داشتن هنرمند بالاترین ارزش است، تصریح کرد: هنرمندان و فعالان حوزه فرهنگی در تنگناها به بالاترین درجات رسیده‌اند.

فاضلی با بیان اینکه استان گیلان دارای هنرمندان بسیار با شخصیتی است، گفت: باید هنرمندان محلی خود را در سطح ملی و هنرمندان ملی استان را در سطح بین المللی ببینیم.

در پایان این جلسه از پوستر سی و سومین جشنواره تئاتر استانی گیلان رونمایی شد.



اینکه متأسفانه در سال‌های گذشته در این استان بسیاری از شخصیت‌های بین المللی در حد افراد محلی جلوه داده شده‌اند، گفت: در حوزه فرهنگ و هنر گیلان نیز شخصیت‌های با بُرد ملی حضور دارند که باید جایگاه‌های آنها حفظ شود.

وی با بیان اینکه جای خوشحالی است که نسل مدیرانی که در این اداره کل در سال‌های اخیر پرورش داده شده‌اند به دنبال ملی کردن چهره‌های استانی و محلی خود هستند، اضافه کرد: زمانی که تفکر و برنامه به این سمت حرکت کند یعنی به دنبال ماندگاری شخصیت‌ها هستیم.

فاضلی با اشاره به اینکه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان پای بین المللی بودن شخصیت میرزا کوچک جنگلی مانده است، افزود: مسئولان وقت استان باید برای ملی شدن این کنگره موضوع را در از طریق وزارت کشور در هیئت دولت مطرح می‌کردند که

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان با اشاره به چهره بین المللی «میرزا کوچک جنگلی»، گفت: نباید چهره‌های ملی و بین المللی خود را در حد محلی پایین بیاوریم.

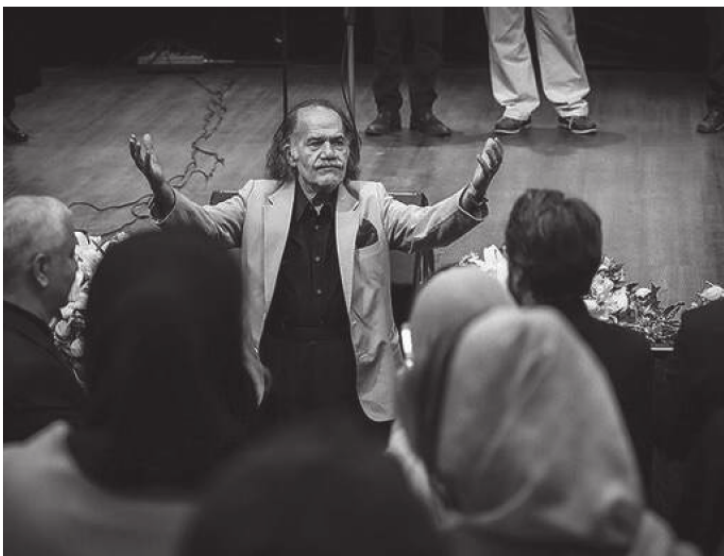
فیروز فاضلی در مراسم رونمایی از پوستر سی و سومین جشنواره تئاتر استانی گیلان با اشاره به اینکه جشنواره امسال به نام میرزا کوچک جنگلی نامگذاری شده است، اظهار کرد: میان شخصیت‌های مبارزی که وجود دارند میرزا کوچک شخصیتی ذاتاً بین المللی است.

وی با بیان اینکه این موضوع از این نظر بیان می‌شود که در میان نهضت میرزا کوچک جنگلی افرادی با ملیت‌های مختلف حضور داشتند، افزود: بر همین اساس یکی از دغدغه‌های ما برگزاری همایش‌های بین المللی با موضوع میرزا است.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان در ادامه با اشاره به

سیروس ابراهیم زاده :

# می خواهیم با خواندن این گفت‌وگو خنده بر لبان مردم بنشانم



سیروس ابراهیم‌زاده که سالها در تلویزیون، سینما، تئاتر و رادیو فعالیت کرده، مدتی است حضور چندانی در عرصه بازیگری ندارد و شاید یکی از آخرین کارهای او که بتوان از آن نام برد، سریال «ساختمان پزفکان» باشد. این هنرمند از فعالیت این روزهایش در حوزه نگارش و ترجمه کتاب سخن گفت. او همچنین از تاخت و تاز کرونا و دلایل گزیده کاری اش گفت و خاطراتی را از «کاکتوس» به یادماندنی روایت کرد و همچنین هنرمندانی که دیگر در میان ما نیستند. سیروس ابراهیم‌زاده - هنرمند با سابقه کشورمان - چندان اهل مصاحبه نیست و به همین دلیل هم کمتر از او گفت‌وگویی را در رسانه‌ها دیده ایم. اما به هر ترتیب مصاحبه با ایسنا را می‌پذیرد و می‌گوید سوال‌ها را برایشم بفرستید. پس از دریافت پرسش‌ها در تماسی دوباره نظرش برای گفت‌وگو را اینگونه عنوان می‌کند، «مردم این روزها نیاز به خنده دارند، نیازمند حال خوب هستند، اینکه من چه می‌کنم برای آنها جذابی نیست، به همین دلیل می‌خواهم این مصاحبه در قالب طنز باشد و زمانی که آن را می‌خوانند، خنده بر لبشان بیاید.» و پس از آن است که به سوال‌هایمان با نظم، دقت و ظرافت خاص خود همراه با لحنی طنزآلود - آنگونه که در آثارش هویداست - پاسخ می‌دهد. متن کامل گفت‌وگو ایسنا با سیروس ابراهیم‌زاده به شرح زیر است: این روزها چه می‌کنید؛ با شرایط کرونا آیا مشغول به کاری هستید؟-- ساعت شش بامداد از خواب بر می‌خیزم، دمیهای پایتخت با بسته ام را می‌پوشم، یکی از پنجره‌های رو به حیاط را باز می‌کنم و هوای نیمه صبح پایتخت را به درون دعوت می‌کنم. نیم ساعت ورزش سبک سوئدی ... و بعد پنجره را بسته کیپ می‌کنم باری ... سپس به سرعت برق ولی آرام و بی سر و صدا صبحانه را می‌زنم توی رگ (به قول برو بچه‌های قدیمی!) نان سنگک بالای ۱۰ هزار تومان را عشق است ... باری ... می‌نشینم پشت میز و با فال حافظ شروع می‌کنم: «صبحدم از عرش می‌آمد خروشی عقل گفت: قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می‌کنند.» روی میز چندین کتاب و مجله در زمینه‌های گوناگون هنر و ادبیات، خواننده، و نخوانده، باز و نیمه باز روی میز ولو شده. کتاب پرورقی که مجموعه‌ای نمایشنامه‌های کوتاه به زبان انگلیسی که سفارش گرفته ام ترجمه کنم. اوایل فتنه‌ی عالیجناب کرونا، کار را شروع کرده ام و هنوز ناتمام است! ... مدت هاست از تلویزیون دور هستم! آیا دلیلی دارد. آیا پیشنهاد می‌شود و نمی‌پذیرید یا خیر؟-- بعد از ظهور و تاخت و تاز «کرونا» بازار کسب و کار تئاتر و سریال سازی و ... کاسد (لفظ قلم «کساد» شده) دیگر اینکه من همیشه گزیده (لفظ قلم «کم کاری» «بی‌کاری») کار کرده‌ام! این بازیگر در توضیح تصویر زیر به طنز عنوان کرده است: «چای دیش لاهیجانه آ... فکرها یبید نکنید به وقت !!! «شما در سریال‌های تلویزیونی‌ای به ایفای نقش پرداخته اید که اغلب به نوعی طنز بوده و کارهای پر مخاطبی هم بوده اند. علت این که دیگر اینگونه آثار در تلویزیون نیست،

چیس؟ -- باید از خودشان پرسید... شاید بتوان گفت «دیگه براشون صرف نمی‌کنه طفلکی‌ها!» (دلخور نشوند ... شوخی کردم!) شبکه نمایش خانگی رقابت جدی با تلویزیون پیدا کرده در سریال‌هایی که تولید می‌کند آیا پیشنهادی به شما در این مدیوم شده؟ -- بله خوب است... خوب! رقابت نمایش خانگی با نوع غیرخانگی اش بسیار جدی است. ولی از من تا به حال دعوت به کار نکرده اند. (لطفاً بین خودمان هماندا!) «کاکتوس» و «آشپزباشی» یکی از آثار به یادماندنی شما در تلویزیون محسوب می‌شود. درباره این سریال که سال ۷۹ تولید شد اگر خاطره‌ای دارید و همکاری‌تان با آقای هنرمند بفرمایید... آشپزباشی سریال خوبی بود مثل اغلب دیگر کارهای محمدرضا هنرمند و من یک نقش کوتاه دوست داشتنی در آن داشتم. ولی «کاکتوس» داستان مفصلی دارد. این سریال نشأت گرفته از سریال «اختاپوس» بود. از کارهای پرورزی صیاد. یادش به خیر و گرامی تر باد یاد یاران هنرمند صادق بهرامی، عزت الله نوید، جهانگیر فروهر، نوذر آزادی و پرورزی کردن ...؛ از آن جمع مری آپیک، پرورزی صیاد و من در قید حیات هستیم. از خاطرات سریال «کاکتوس» بگویید. -- یکی از هم محله‌ای‌های قدیم من که می‌دانستم دستی بر قلم دارد و عیالوار و نیازمند است، روزی سراغ من آمد و از من خواهش کرد که به عنوان نویسنده‌ی متن دست او را در کاکتوس بند کنم. سمعا و طاعتا، با محمدرضا هنرمند در این باره صحبت کردم و او پذیرفت که دوست من متنی به عنوان نمونه بنویسد و به ما بدهد. دوست نویسنده در مدتی کمتر از یک هفته نوشته‌ی خود را تسلیم کاکتوس کرد و قرار شد در اولین جلسه‌ی تمرین ما متن او خوانده شود و نظر جمع همکاران مورد نظر قرار گیرد.

در جلسه‌ی متن را به دست من دادند که بخوانم برای جمع ... چشمتان روز بد نبیند وقتیدفرجه‌ی متن را باز کردم، دیدم که دوست ما هرچه متلک و بد و بیراه می‌دانست بار ما کرده است. و او تنها کسی بود که «کاکتوس» را نمی‌پسندید. کرونا هنرمندان بسیاری را از ما گرفت. درباره پیشکوتانی که با شما دوست و همکار بودند بفرمایید و اگر قابل درایتی از آنها کنید... یاد می‌کنم از پرورزی پورحسینی، کامبوزیا پرتوی، چنگیز جلیلووند، خسرو سینایی، اکبر عالمی، کریم اکبری مبارکه، کامبیز درمبخش و ... گرامی می‌دارم دیگر یاران و هموطنان و قربانیان جهانی کرونای عبرت آموز آدمیخوار را ... باشد که انسان امروز به جای دشمنی با هم نوع و کشت و کشتار یکدیگر از عهده‌ی براندازی این آدمکش به ظاهر ریزه میزه برآید. شاد زیویید و دیر پایید به روزگاران! سیروس ابراهیم‌زاده نویسنده و بازیگر پیشکوت فروردین ماه ۱۴۰۰ وارد هشتاد و چهارمین سال زندگی شد. او دارای مدرک کارشناسی ارشد تئاتر از مدرسه هنرهای دراماتیک و موسیقی بیرمنگام انگلستان و آکادمی هنرهای نمایشی - موسیقی لندن و کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران است و فعالیت هنری را در سال ۱۳۴۶ با تلویزیون و رادیو آغاز کرد. «تئاترین سردار»، «ولایت عشق»، «کاکتوس»، «آرایشگاه زیبا»، «خانه ما»، «حسن سوم»، «آشپزباشی» و «ساختمان پزفکان» از جمله آثار این هنرمند در تلویزیون محسوب می‌شوند. بازی در فیلم «حسن کچل» به کارگردانی علی حافی نخستین تجربه سینمایی اوست. از عمده نمایش‌های ابراهیم‌زاده می‌توان به «اتلوه»، «جعفر خان از فرنگ برگشته»، «ملیحه» و ... نیز اشاره کرد.

۷

## تصمیم‌گیری برای استفاده از ظرفیت ۱۰۰ درصدی تئاترها سریع‌تر باشد



رئیس تماشاخانه ایرانشهر معتقد است تئاتر نیز به مانند سینما باید از ظرفیت ۱۰۰ درصدی سالن‌های خود بهره‌مند شود و در این بین مسئولان تئاتری باید سریع‌تر تصمیم‌گیری کنند.

مجید رجیبی معمار مدیرعامل خانه هنرمندان ایران و رئیس تماشاخانه ایرانشهر در خصوص اینکه سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از رفع محدودیت‌های کرونایی سینما و استفاده از ظرفیت ۱۰۰ درصدی سالن‌های سینما خبر داده ولی در تئاتر هنوز این اتفاق نیفتاده است، به خبرنگار مهر گفت: طبیعتاً تدبیری که برای سینما شده، تدبیر درستی است. با توجه به شرایط مجموعاً مناسبی که به دلیل افزایش میزان واکسیناسیون و پایین آمدن سطح مخاطرات کرونا در کشور هست که البته مستلزم رعایت قواعد بهداشتی و پروتکل‌هاست، باعث شده تا مسئولان با توجه به اشتیاق مردم برای حضور در مراکز فرهنگی و هنری از جمله، سینماها، فضاهای تئاتری و نمایشگاه‌ها دارند به این نتیجه برسند که از ظرفیت ۱۰۰ درصدی سالن‌های سینما استفاده کنند که این موضوع مورد توافق قرار گرفت و از سوی ریاست سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز اعلام شد.

وی متذکر شد: متأسفانه تصمیم‌گیری در حوزه تئاتر و هنر نمایش خیلی کند بوده و اگر تصمیمی هم گرفته می‌شود غیر رسمی اعلام می‌شود. خیلی کند و دیر تصمیم گرفته می‌شود و خیلی مشخص و جدی تصمیم را اعلام و ابلاغ نمی‌کنند. رجیبی معمار با بیان اینکه وضع سینما قبل از پیک گذشته هم بهتر از تئاتر بود زیرا مسئولان سینما خیلی سریع‌تر و به نظر من خیلی هوشمندتر عمل کرده‌اند، یادآور شد: مسئولان تئاتر ما همیشه در این موضوع تأخیر داشته‌اند. الان انتظار داریم که مسئولان تئاتر نیز خیلی سریع تصمیم‌گیری کنند. وقتی اقدامات بهداشتی و پروتکل‌های بهداشتی در سالن‌های تئاتر رعایت می‌شود باید این اجازه را بدهند که سالن‌های تئاتر هم از ظرفیت ۱۰۰ درصدی خود استفاده کنند.

مدیرعامل خانه هنرمندان ایران با اشاره به اینکه استقبال مردم از نمایش‌ها و همچنین گالری‌ها خیلی خوب است، گفت: این امر نشانگر این است که مردم به شدت نیازمند استفاده مناسب از اوقات فراغت، تفریح و استفاده از ظرفیت‌های هنری هستند. امیدواریم مسئولان تئاتر هم هوشمندانه این همکاری را انجام دهند تا استفاده از ظرفیت ۱۰۰ درصدی در تئاتر هم اجرایی شود.

رئیس تماشاخانه ایرانشهر در پایان سخنان خود تأکید کرد: مشکل این است که در تئاتر خیلی کند و آرام تصمیم‌گیری می‌شود. موضوع استفاده از ظرفیت کامل سالن‌های تئاتر ارتباط مستقیمی با اقتصاد گروه‌های تئاتری دارد. گروه‌های تئاتری و سالن‌های تئاتر خیلی زحمت می‌کشند و هزینه می‌کنند و مردم نیز علاقه‌مند به حضور در سالن‌های تئاتر هستند، خواهش ما هم این است که هماهنگی و تصمیم‌گیری مسئولان تئاتر سرعت داشته باشد.



# جغرافیای جهانی به نام مدرسه

میلااد نیک آبادی کارگردان نمایش «درس بی پایان» در گفت و گو با «ایران»

این روزنامه نمایش «درس بی پایان» در سالن استاد سمندریان مجموعه ایرانشهر در حال اجراست. از این باب گفت و گو با میلااد نیک آبادی می تواند فرصت خوبی باشد در رابطه با پرستی‌هایی که مخاطبان از نظیر روی و لب و فرم اجزای این نمایش با آن رویارو می شوند. بهر حال میلااد نیک آبادی را می توان از هنرمندان جوان و آینده‌دار دانست که دستی هم در فضای تئاتر دانشگاهی دارد و در جایگاه معلم، تلاش دارد با سبیل نوسیده تئاتر وارد گفت و گو انتقادی و خلاقانه شود. «درس بی پایان» با نوحی شگودگی

در حال رفع خطاهای خویش است و در این مسیر اودیسنو از تلاش می کند سیر نظیر نمایشنامه اش را از یک گفت و گو مداوم با جامعه ادبی دهد. به تماشای نخستین اجرا و طرح پرسش‌هایی در دست با شیوه تولید مادی آن، تلاش برای فهم این مسأله است که نتایج پیشرو و مسأله محور سبیل دانشگاهی، چگونه در حال تجربه روزی عرصه های نامشکوف، این امکان را یافته که جهان خود این خویش را خلق کند و گویا مخاطفه کاری و پیروی نشود. «درس بی پایان» اجرایی است شاداب که گاهی در پیمان چیزی که می خواهد طرح کند، ناکام می ماند و این دفعه را به ذهن مخاطبان متبادر می کند که این درس که گویای بی پایان است چه نسبتی با اینجا و اکنون ما دارد.



عبدالله نیک آبادی

در تمامی شخصیت‌هایی که قرار است در صحنه بازیابی شوند این «کاسپار» است که با غیاب خویش، ناگهان روایت را دچار وقفه می کند. شخصیتی غایب که از فهم مخاطبان می گزید. ضرورت این حضور غایب در چیست؟  
من خبلی عادت ندارم و البته علاقه‌ای هم ندارم آن چیزی را که مقصود و هدف خودم از جزئیات و کلیات یک اجرا است شرح بدهم. به همین خاطر خیلی نمی توانم جوابی صریح و دقیق به این سوال شما بدهم. هر چیزی که در اجرای ما شکل گرفته چه مادی و قابل رؤیت و چه فضاهایی باشد می تواند هر تماشگر را با هر رویکرد و شناخت و فهمی از یک جنبه متفاوت با خودش همراه و درگیر کند. شخصیت کاسپار شخصیتی بود که چون حضور فیزیکی اش در اجرای ما کارگردانی داشت فدا شده به خودشان و حتی به مکانی متفاوت بستگی دارد. اما چون بستر مناسب و گفت و گو محور وجود ندارد کاراکترها ناگزیر به پذیرش یک تفکر خاص و هم شکل و هم فکر برای هستند که در این نوع نمایشات ناشی برای تغییر هم فرجام خوبی ندارد.  
در نهایت نسبت این اجرا با وضعیت اینجا و اکنون ما چیست؟ از این منظر که با یک نگاه دانش «طرف هستیم که می توانیم دشمن خلاقیت بشود و نسل نوجوان را در انقیاد خویش در آورد.  
اصولاً نظام دانش، یعنی مدرسه دبیرستان و بعد از آن دانشگاه، سترماز فکر و اندیشه است و البته بسیار مؤثر در تعیین چشم‌انداز رشد آدم‌ها و نگارش فرهنگی و اجتماعی آدم‌ها در این نظام شکل می گیرد. به همین خاطر به نظرم یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین نهادها می‌تواند در آینده بشر، همین نظام آموزشی است. پس باید خیلی توجه ویژه قرار گیرد و دانش مورد نقد و واکاوی واقع شود از اوقاتن در یک مسیر تکراری و مقیم بنگینگی کشد فکر می کند وقتی که وارد آن نظام دانشی می شویم و به بررسی عناصر موجود در آنجا می پردازیم و پرسوس و چگونگی شکل گیری رشد و تعیین هویت آدم‌ها پس می‌پرسیم و آن اهمیت آن نظام را صد چندان می کند. همان‌طور که گفت این یک کاسپار مهم و مؤثر برای آینده است و کارکرد اساسی و پایمال برای تعیین اندیشه‌هایی بوده یعنی در واقع ما در انتخاب گزاره علیه برای شکل دادن کاراکتر، یعنی اسم، کلام، متکرار و سبب جغرافیا عمل کردیم دست داشتیم این کاراکتر را واقعاً وجود داشته باشد و خودمان را معنوف و معنود به یک زمل و جغرافیای مشخص کنیم. از جایی به بعد این که چه جغرافیا و زمانی وجود دارد اصلاً مسأله من نبود و نخواستیم به طور جدی و مشخصی به آن بپردازیم. این نمایش با اصطلاحاً رویداد اصلی این اجرا می‌باشد در هر دوره و در هر جا اتفاق بیفتد اما قطعاً در طول اجرا اتفاق متحرک و یک بعدی به هستی نجات بدهد.

افزاده و کم می‌شد و ما مجبور به تغییر در تیم بازیگری می‌شدیم. روی گزاره مکان عمومی به نام مدرسه می‌شود فاصله گرفت یا آشنایی زدی کرد. چه طور می‌شود حتی در یک فرایند برای شناخت معنایی ساختاری و کاربردش را در دنیای معنایی جدید از این مکان رسیده به همین خاطر ما تملک‌ناهی می‌کردیم که در ترمین‌ها و اتودها فضای مدرسه را بسازیم و بعد از اینکه رفتار در بازیگرها ساخته می‌شد و بازیگر بر اساس منطق ذهنی و کشفیات خودش از کاراکتر دست به عمل می‌زد، آرام آرام کشفیات را در یک رابطه دو جانبه با چند جانبه قرار می‌دادیم و بعد از اینکه رابطه بین آن‌ها برقرار می‌شد و کاراکترها می‌توانستند در یک وضعیت فرمی و احساسی با هم قرار بگیرند و در مرحله گفت و گویی می‌شدیم و با آخرین دست‌های نمایشی و روایتشان با این مکان مشخصی گفت و شنیدیم. یعنی به عبارتی ما از یک نگاه و شناخت کلی از کاراکترها به جزئیات کاراکتر، از جزئیات به روابط، از روابط به فضاسازی و از فضا به مکان می‌رسیدیم. البته گاهی هم این مسیر را برعکس طی می‌کردیم. وقتی همه این مسرها طی می‌شد وقتی که گفته‌های خلاق می‌رسیدیم و چیزی گفت یا ساخته

در موردش حرف زدیم، فکر کردیم و ایده دادیم مسأله مکان بود و اینکه چگونه از یک مکان عمومی به نام مدرسه می‌شود فاصله گرفت یا آشنایی زدی کرد. چه طور می‌شود حتی در یک فرایند برای شناخت معنایی ساختاری و کاربردش را در دنیای معنایی جدید از این مکان رسیده به همین خاطر ما تملک‌ناهی می‌کردیم که در ترمین‌ها و اتودها فضای مدرسه را بسازیم و بعد از اینکه رفتار در بازیگرها ساخته می‌شد و بازیگر بر اساس منطق ذهنی و کشفیات خودش از کاراکتر دست به عمل می‌زد، آرام آرام کشفیات را در یک رابطه دو جانبه با چند جانبه قرار می‌دادیم و بعد از اینکه رابطه بین آن‌ها برقرار می‌شد و کاراکترها می‌توانستند در یک وضعیت فرمی و احساسی با هم قرار بگیرند و در مرحله گفت و گویی می‌شدیم و با آخرین دست‌های نمایشی و روایتشان با این مکان مشخصی گفت و شنیدیم. یعنی به عبارتی ما از یک نگاه و شناخت کلی از کاراکترها به جزئیات کاراکتر، از جزئیات به روابط، از روابط به فضاسازی و از فضا به مکان می‌رسیدیم. البته گاهی هم این مسیر را برعکس طی می‌کردیم. وقتی همه این مسرها طی می‌شد وقتی که گفته‌های خلاق می‌رسیدیم و چیزی گفت یا ساخته

ساخته شده یا آنها برخورد می‌کنیم معمولاً آن اعتبار اولیه را حداقل برای من از دست می‌دهند. مثلاً در مورد پیوفسور رفته دیدم که ایده‌های اولیه، این کاراکتر را از وضعیتش ملموس و قابل فهم و صد البته قابل پذیرش، می‌کردیم. یعنی آنچه را ساخته‌ای چیزی که امروز موجود است و به قول شما رابطه دیگرنیکی که بین درها، بدن‌ها و متدلی‌ها برقرار می‌کند. ایده‌ها شده‌اند که کار هم قرار گرفته و از هر کدام شاید یک رسوب ذهنی و احساسی باقی مانده باشد که اجرای امروز ما ساخته است. در ابتدا دیوار بندی که غیر قابل عبور باشد شاید واضح‌تر و مشخص‌تر از تصویر بر بود. در مرحله بعدی پیوفسور را دانند در وضعیت غایب حضور می‌شدیم و قصد داشتیم به صورت یک بدن و فیکور روی صحنه نباشد تا نوع حضور و حتی رابطه اش از جنبه‌های رایج فاصله بگیرد و هزاران بار دیگر بخش زیادی از این ایده‌ها در نظر اول برای خود می‌جسلی جذاب هستند اما وقتی به آن نزدیک می‌شدیم یعنی وقتی که ایده‌ها را در ترمین مصرف می‌کنیم و حالا به صورت عینی در بدن‌ها و کلام و روابط می‌بینیم و در مواجهه با فضا و مکان

## لکنت

پهنام‌داریابی  
منتقد

کاسپار هاوزر در یک روز زمستانی بود که سر از شهر نورنبرگ آلمان در آورد و چونان می‌نمایاند که انگاری موجودی است عجیب‌الخلقه و «تنها دلش می‌خواهد مانند پدرش یک سرباز بشود». نه خواندن می‌دانست نه نوشتن و فقط توانا بود بر نوشتن نام خود با خطی کج و معوج. او پس از اینکه توسط روانپزشکی به نام دامر مورد مطالعه و تعلیم قرار گرفت توانست با محیط پیرامون ارتباط برقرار کند. تازه کشف‌هایی در مورد کاسپار عمل آمده بود که روزی او را خوین یافتند که ادعا می‌کرد مردی با چاقویی بزرگ او را زخمی کرده است. پس دو مأمور پلیس به صیانت از او گماشتند اما در زمان استراحت مأموران، کاسپار بیرون می‌رود و پس از چندی جسدش در پارک حوالی منزل دکتر دامر پیدا می‌شود. آنچه واضح بود این است که کاسپار خودکشی نکرده بود اما هیچ ردی هم از قاتل پیدا نشد. کاسپار از ناکجا آمده به ناکجا سفر کرد.

این یک داستان واقعی از زندگی نوجوانی بود که خود را کاسپار نامید و معمای او تا به امروز هم حل نشده باقی مانده است. نمایش «درس بی‌پایان (چند پرتزه از آموزش کاسپار)» نگاهی به این داستان داشته است. به طور تقریبی دو سوم سالن سمندریان تماشاخانه ایرانشهر عرصه نمایش است. انتهای سالن را دیوار سفید و عظیم تقریباً به ارتفاع سقف سالن پوشانده است و پایین دیوار شش در تعبیه شده که راه ورود و خروج بازیگران است. مابقی صحنه خالی

است تا محیطی برای جولان بازیگران مهیا باشد. از همان ابتدا، نمایش ما را با محیطی آشنا می‌کند که نامش را می‌گذارد مدرسه. مدرسه توسط پروفیسور هدایت می‌شود و تمامی دانش‌آموزان موظفند تا از پروفیسور و قوانین مدرسه اطاعت کنند. درنگی کنیم و بدین بپردازیم که چرا در سال‌های اخیر درام‌هایی با چنین مضامینی و چنین ساختاری اینقدر فراوان تولید شده‌اند؟ یحتمل سؤال تازه‌ای نیست و پاسخ هم تا حدی واضح است. غرولند از نظام‌های تربیتی مؤثر در حال حاضر جامعه ما از پیش بوده است و همچنان هم ادامه دارد. از این نظام‌ها می‌توان به خانواده و ارگان‌های آموزشی اشاره کرد. این دو نظام به دلیل فراماندگی در سنت‌های پیشینی و فرا نرفتن از حدود معمول خود همواره فضایی خفقان‌آور را پدید آورده است که عواقبی جبران‌ناپذیر را به افراد تحت تعلیمش متحمل می‌کند. باید خاطرنشان کرد جوامع همچون یک سیستم کار می‌کنند و چرخنده‌های کوچک و بزرگ در هماهنگی با یکدیگر می‌گردند. پس نمی‌توان تمام تقصیر را به گردن تحریف نظام‌های خانواده و آموزشی انداخت، زیرا آنها خود تأثیرپذیرفته از کلیتی بزرگ‌ترند. از همین رو است که در سال‌های اخیر هنرمندان خصوصاً در حوزه هنرهای نمایشی به انتقاد از خرده نظام‌ها پرداخته‌اند تا به شکلی غیر مستقیم سربیکان خود را به سوی کل بزرگ‌تر نشانه برونند و البته که این اساس هنر و کار هنرمند است، اما نمایش مذکور تا چه حد در عمل خود موفق بود؟ کم. «درس بی‌پایان» خود را در هچل به نمایش گذاشتن

اجرای پیست دراماتیک می‌اندازد که حتی از پس بیروز نشانگان آن هم بر نمی‌آید. متن اثر قصه‌محور نیست بلکه بر اساس روایت پیش می‌رود. روایت اصلی روایت مدرسه است و دانش‌آموز جدیدی که ناهنجاری‌های فضای بیرون را وارد فضای مقید مدرسه می‌کند. چندین روایت فرعی هم شکل می‌گیرند که عبارتند از کشمکش عاشقانه، دعوای، خیانت‌ها

را از دست بدهد. لازمانی و لامکانی دو خدشه بزرگ بر روایت‌ها هستند. زمانی می‌توان زمان و مکان را کناری نهاد که در کثرت قرار بگیرند. به زبان دیگر کثرت مکان و زمان آنها را به وحدت نیستی و همه هستی می‌رساند اما بالعکس آن صادق نیست یا دست‌کم در مورد این نمایش کار نمی‌کند. مادامی که زمان و مکان مخدوش است دریافت بیننده هم دچار نقصان می‌شود و امکان

فرم و محتوا در مانده است. با وجود زمینه‌هایی که برای خودش انتخاب کرده بود اما نتوانست از پس خودش برآید و گفتمانی جدید را عرضه کند. این نمایش هم یک پا و مصمم بر گفتمان رایج ارباب و بنده ایستاده است. گفتمانی با ساختاری از این قرار: ارباب دستور می‌دهد، دستور به منابه دانش از سوی بنده برداشت می‌شود، بنده تولید می‌کند، تولید در مقام



از این دست. نمی‌توان ابراردی را بر توالی روایات وارد آورد. تقریباً به شکلی ساختارمند روایات به موازات هم پیش می‌روند هر چند از نیمه نمایش سنگینی خرده روایت‌ها می‌چربد بر روایت اصلی و همین است که باعث می‌شود تا مدرسه که به عنوان یک مکان به تماشاگر معرفی شده بود ماهیت خود را عوض کند. در واقع مدرسه در پرسپکتیوی که نمایش قصد احضار آن را دارد گم می‌شود. این پدیده موجب می‌شود تا نمایش، مکان و زمان خود

تجربه حداقلی از او سلب. دریافت ناقص، فهم ناقص را در پی دارد و در نتیجه بیننده نمی‌تواند حکمی استعلایی در باب زیباشناسی اثر صادر کند. پس می‌بینیم که چطور محتوای خوب تافته و بافته نشده به فرم اثر آسیب می‌رساند. ریتم یکنواخت، عدم وجود هارمونی، درهم ریختگی خارج از یک ترکیب‌بندی مناسب صحنه و عمل بازیگران از جمله مواردی است که در نازیبایی مذکور به چشم می‌آید. نتیجه آنکه نمایش از هر دو سوی بازی قدیمی

ارزش افزوده ستانده می‌شود و لذت افزوده به ارباب می‌دهد، ارباب لذت را پنهان می‌کند در نتیجه حقیقت کتمان می‌شود. شاید راه دفاع باز باشد که تا وقتی نظام (های) غالب چنین گفتمانی دارند، تولید این گفتمان در قالب هنر تکراری نیست که واجب هم است، اما پاسخ واضحی وجود دارد که زایش گفتمان‌های کوچک‌تر از گفتمان بزرگ‌تر و غالب تنها تثبیت این شکل از گفتمان را به همراه دارد، پس باید چاره‌ای جز این اندیشید.

مروری به نمایش «نگاهم به دریاست...» به کارگردانی حسن سبحانی مینابی

## ما زنده خواهیم ماند

محسن یوالحسنی  
خبرنگار

نمایش «نگاهم به دریاست تا کسی آب را نبرد» اولین بار در جشنواره سسی و نهم جشنواره تئاتر فجر روی صحنه رفت و اثری بود در خور توجه از استان هرمزگان که حالا از طریق پلتفرم‌های نمایش آنلاین مثل تیوال و تلویزیون تئاتر قابل دسترس و تماشا قرار گرفته است. داستان این تئاتر که طراح و کارگردانش حسن سبحانی مینابی است و نویسنده‌اش رضا گشتاسب، داستان پسری است به نام قاسم که همراه با دوست خود کریم و عده‌ای دیگر از جوانان هم سن و سالشان به جزیره‌ای در خلیج فارس اعزام می‌شوند تا در برابر هجوم ارتش صدام بایستند و از سکویی نفتی محافظت کنند. قاسم و دوستانش باید چند ساعتی نیروهای بعثی را در جزیره معطل کنند تا فرصت اعزام قوای کمکی توسط فرماندهان نبرد فراهم شود و در همین چند ساعت است که قاسم هربار که کریم را می‌بیند در مورد دیگر دوستان هم رزم‌اش از او می‌پرسد جواب‌های کریم را باور نمی‌کند چون کریم می‌گوید عراقی‌ها مدت‌ها قبل، رأس ساعت چهار به جزیره حمله کرده و همه از جمله خود کریم و قاسم را به شهادت رسانده‌اند؛ اما قاسم نمی‌خواهد قبول کند که دیگر زنده نیست و دلیل‌اش هم این است که هنوز ساعت چهار نشده است. قاسم نمی‌خواهد باور کند که شهید شده و حالا در قامت یک روح در جزیره این طرف و آن طرف می‌رود و جنگ هم مدت‌هاست که تمام شده. همسر قاسم، معصوم برای بازگشت او به خانه لحظه شماری می‌کند و هربار که او را می‌بیند به او می‌گوید که جنگ خیلی وقت است که تمام شده، چرا بر نمی‌گردی خانه! قاسم هم دلش می‌خواهد به خانه برگردد اما می‌داند که نباید پست نگهبانی‌اش را ترک کند و اجازه بدهد عراقی‌ها به سکوی نفتی برسند و از طرف دیگر هم موجودی به نام «مم سیاه» آب را بدزد و تمام دریا را خشک کند.

کارگردان در این نمایش، به جای ایجاد تعلیق و کاشتن حس دودلی در مخاطب و القای این پرسش به ذهن او که آیا قاسم زنده است یا مرده، سعی می‌کند عالم واقعیت را با دنیای خیال پیوند بدهد و آسیب‌های جدی و تلخی که یک خانواده کم‌لاسه و معمولی از خطه جنوب ایران در جریان جنگ متحمل شده‌اند را به تصویر بکشد و همین طراحی، کار را به سمت یک اثر موفق در سبک رئالیسم جادویی سوق می‌دهد. نکته مثبت این نگاه و زاویه آن جاست که کارگردان برای نزدیک کردن مخاطب و



نگاهم به دریاست تا کسی آب را نبرد

نویسنده: رضا گشتاسب

طراح اثر و کارگردان: حسن سبحانی مینابی

مشاور کارگردان: رضا کریمی زاده

بازیگران: ابوالقاسم احدیان، جعفر قاسمی، داوود رمضان زاده،

هما براننده، شیوا قاسمی، رومینا احمدی پور، حسن اصیلی،

فرشاد اسلامی

پلتفرم‌های نمایش آنلاین (تیوال و تلویزیون تئاتر ایران)

همذات‌پنداری با اثر، به دام روایت‌های داستانی پراشک و آه خالی از قصه نیفتاده و اتفاقاً از شوخی‌هایی جاافتاده استفاده می‌کند تا بتواند مخاطب را با روحیه قوی شخصیتی که نمی‌خواهد مرگ را بپذیرد و حتی در مرگ هم نگران خاک و آب و طنش است آشنا کند. به عنوان مثال شخصیت کریم که پیش از جنگ تنها یک ماهیگیر ساده بوده، لاف می‌زند که بعد از شروع جنگ به چنان مقام مهمی در جبهه رسیده که صدام برای سرش جایزه تعیین کرده و در طول نمایش چندبار به این موضوع اشاره می‌کند. بخشی از عنصر پیوند واقعیت با خیال در نمایش «نگاهم به دریاست تا کسی آب را نبرد» در وجود سه شخصیت بی‌نام و نشان مصداق پیدا می‌کند که در برخی از صحنه‌های این نمایش حضور دارند و تا حدی موجب خارج کردن داستان این اثر و روایت از یکنواختی شده‌اند. آنها گاهی در نقش خواستگار معصوم قرار می‌گیرند، گله و وظیفه گرم کردن مجلس عروسی قاسم و معصوم را بر عهده دارند، گاه این دو جوان ناکام را دل‌داری می‌دهند و... همه اینها به اضافه روایت ساده و سراسری که با همه ویژگی‌های اجرایی تته به نمایش‌های آبرورد و روشنفکرانه نمی‌زند باعث می‌شود مخاطب تا پایان با شخصیت اصلی همراه شود و ببیند از کجا آمده و به کجا می‌رود.

## مصایب آن نسل خشمگین

آرمان راهگشا

منتقد

تاریخ دوران مدرن را نمی‌توان از مسأله‌ای چون تعلیم و تربیت منفک دانست و به قرائت نشست. از این باب اجرای نمایش «درس بی‌پایان» به نویسندگی و دراماتورژی بهزاد آقاجمالی و طراحی و کارگردانی میلاد نیک‌آبادی، تمنا و تقیایی است در حال و هوای پرفراز و نشیب آموختن و تربیت کردن. متن نمایشنامه گویا با میانجی‌هایی پیدا و پنهان، اتصال می‌یابد به نمایشنامه تحسین شده «پانک راک» به نویسندگی سایمون استیونز. اما بهزاد آقاجمالی در مقام نمایشنامه‌نویس تلاش کرده جهانی خودبنیاد و مستقل خلق کند که روایتی باشد از یک اجتماع دبیرستانی بحران‌زده؛ نوجوانانی که در یک مجتمع تحصیلی دوره دبیرستان گرد هم آمده‌اند تا برای ورود به نهاد دانشگاه و ساختن آن زندگی که جامعه وعده داده است آموزش ببینند. بنا براین اجرایی که این شب‌ها در سالن استاد سمندریان مجموعه ایرانشهر به صحنه آمده است، یادآور همان نمایش‌هایی است که به دوران پرتلهاب دبیرستان می‌پردازند. نمایش‌هایی چون «پسران تاریخ»، «کد ۱۳»، «است» و «متساوی الساقین». به هر حال فضاهای بسته آموزشی، چه در ایران و چه در کشورهای دیگر، مؤلفه‌های تکرار شونده‌ای دارند همچون رفاقت، حسادت، سرکوب، تشویق و تطمیع. «درس بی‌پایان» چندان به ترسیم وضعیت انضمامی خویش نمی‌پردازد و فی‌المثل تا به انتها معلوم نمی‌شود جغرافیای این مرکز آموزشی دوران دبیرستان در کجای جهان قرار دارد، حتی اسامی هم وجه «آیرونیک» به خود گرفته است با عناوینی چون ویلیام، لیلی، آوا، کی‌روش و ویرجینیا. بنابراین رویکرد آقاجمالی و نیک‌آبادی، خلاص شدن از ترسیم دقیق یک «وضعیت» سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی است و پرداختن به یک «موقعیت» تکین تحصیلی. این رویکرد اجرایی به هر حال افق‌هایی را می‌گشاید و پس روی‌هایی را دامن می‌زند؛ شکلی از التقاط‌گرایی فرهنگی که ادعای جهان‌شمولی دارد، اما جایگاهی که قرار است این جهان‌شمولی را برای مخاطبان آشکار کند، از قضا پنهان می‌دارد.

به لحاظ بصری، صحنه متشکل از یک فضای خالی است با دیواری بلند که شش در دولته‌ای آن را در بر گرفته است؛ درهایی که حد فاصل فضای خصوصی دبیرستان با اتمسفر بیرون از آن هستند. درهایی که در انتهای نمایش مسدود شده و دانش‌آموزان را به شکل نمادین محصور می‌کنند. تو گویی با فرجامی که تدارک دیده می‌شود هر نوع امکان خروج به هوای آزاد بیرون مسدود شده و انقیاد دانش‌آموزان به نهایت خود می‌رسد. اجرا توانسته با تکیه بر مهارت و خلاقیت بازیگران جوان خویش، این سیر زوال و فاجعه را بخوبی نشان دهد. هر چه هست «درس بی‌پایان» را می‌توان تذکارتی انتقادی از شیوه آموزش در گوشه و کنار جهان دانست. اجرا اما از یاد نمی‌برد که فضای نوجوانی به جوانی این دانش‌آموزان را شاداب به نمایش گذارد؛ ترکیبی از رنگ آمیزی چشم‌نواز لباس بازیگران، نورپردازی کمینه‌گرا و استفاده از تصاویر دوربین‌های مدار بسته. روایت اما از حضور غایب یک شخصیت به نام «کاسپار» اندکی سردرگم است. تا به انتها این ناپیدایی جناب کاسپار آن چنان که باید، باورپذیر نمی‌شود و به نظر می‌آید از دل‌بستگی پسامدرنیستی بهزاد آقاجمالی در به تعلیق در آوردن روایت کلاسیک سرچشمه می‌گیرد که قبل از این در نمایش «مرگ هوتن» کمابیش آن را به تماشا نشسته بودیم.



«درس بی پایان» قصد دارد چه بگوید؟

## همه بن بست‌ها برای دفاع از یک نمایش



احسان زیور عالم

ماجرا را هم در نظر داشت. اما چیزی، بیرون از نمایش هنر مند را تحریک می‌کند و کشف این موضوع شاید یکی از جذاب‌ترین وجوه تماشای نمایش باشد. اینکه مخاطب با خود بگوید هنر مند، آن صاحب چشمی گشوده‌تر - شاید - چه دیده که شش‌خاک‌های حساس شده و می‌خواهد دانسته‌اش را با من به مشارکت بگذارد.

پس از تماشای «درس بی پایان» این وضعیت برایم حادثه شد. نمایشی که دسته‌جمعی دیده بودم، در میان ۱۵ نفر دیگر و همه در این عجب بودند که با چه رویه‌رو شده بودند. تصویری از مدرسه، چیزی مد شده در سال‌های اخیر، نه با تصور ما از مدرسه همخوانی داشت و نه تصویری ایرانی شده از جهانی خارج از ایران. البته تلفیق نام‌های ایرانی و غیر ایرانی در نمایش این امکان را به ما می‌داد که مدرسه پیش‌رو، مدرسه‌ای است خیالی؛ اما مگر نه آنکه خیال هم

فصل مشترک‌هایی با امر واقع دارد. کمالاتی که مدرسه خودش دیگر خیال نیست، جایی است روی زمین و از قضا پارادوکسی برای بدبختی و خوشبختی آینده‌مانم‌نمایشی که علی‌الظاهر می‌گوید مدرسه جایی است سرشار از خشونت، پویی از خشونت نبرده است. حداقل نسبت به نمونه‌های پیشین خودش ولی برای اثبات این ترس از بازنمایی خشونت کافی است کمی به ریشه‌های نمایشنامه بهزاد اجمالی در مقام نویسنده و احتمالاً منبع الهام میلاد نیک‌آبادی، کارگردان کار نزدیک نسویم، نمایش اقتباسی است از نمایشنامه «بانک‌راک» سایمون استیونز، نمایشنامه نویس انگلیسی و از قضا متن آقای استیونز هم برآمده از یک سنت مدرن در حوزه هنرهای دراماتیک - که سه‌سینما، چه سریال و چه تئاتر - است. سنتی که شاید بیش از همه با فیلم «فیل» گاس ون سنت مطرح می‌شود و با مستند «بولینگتی برای

قلدری هم درگیر دایش می‌شود. شش دانش آموز مدرسه به جای تقابل با هم، درگیر پرسواری می‌شوند که زاده ذهن خالفان ایرانی است. پرسواری که از قضا گروه ۱۵ نفره ما با او همذات‌پنداری نمی‌کند. یک معلم عجیب و غریب که کمی دادمی زنده‌شیشه‌مجنون‌هایم‌رود و می‌ایدواز نیروهای غیبی برای سرکوب استفاده می‌کند، هر چند سرکوب‌ها هم این همانی با سرکوب‌های تجربه‌شده توسط گروه هم‌خوانی ندارد. شخصاً در مدرسه با وجود تمام امتیازهای مثبت مدنظر مدرسه، کتک خوردنم، تحقیر شده‌ام و آسیب دیده‌ام؛ اما هیچ یک از تجربه‌های استبدادی مدرسه ایرانی در نمایش بازآفرینی نمی‌شود. حتی نزدیکش هم نمی‌شود. با اینکه با حذف فیزیک از متن اصلی و جایگزینش با دیکنه، گویی قرار است سازندگان نمایش از وجوه استبدادی مدرسه است و هم ناکارآمد. دیکنه‌ای که از هر گونه نگاه پلیسی فارغ است. مگر نه آنکه استبداد چیزی است شبیه به نظارت همیشگی برادر بزرگ ۱۹۸۴؟!!

پس وقتی مدرسه نه آن است که در «فیل» و «بانک‌راک» می‌بینیم و نه این است که در زندگی واقعی تجربه می‌کنیم، «درس بی پایان» قصد دارد چه بگوید؟ قصدش اشاره به چه چیزی است؟ آیا قرار است ماصر فآبه یک فضا سازی معطوف از فرآیندهای از ایده تا اجرا برسیم؟ اگر چنین باشد چرا رگه‌ها و رد پاهای نمایشنامه اصلی اجازه استقلال نمی‌دهد؟ مهمتر آنکه اساساً چرا باید یک متن ناآشنا برای مخاطب ایرانی دچار بازخوانی و البته انهدام باشد؟ برای مثال هنوز نمی‌توانم استدلالی - حتی دال بر بی‌هدفی - از بخش ویدئو روی دیوار پیدا کنم. عادت‌هایی که در عموم نمایش‌های ایرانی، از هابیر رئالیستی‌ترین هایش - نمونه خوش «یافت‌آباد» محمد مسالوات

«درس بی پایان» قصد دارد چه بگوید و به چه نکته‌ای اشاره کند؟ آیا قرار است ماصر فآبه یک فضا سازی معطوف از فرآیندهای از ایده تا اجرا برسیم؟ اگر چنین باشد چرا رگه‌ها و رد پاهای نمایشنامه اصلی اجازه استقلال نمی‌دهد؟ مهمتر آنکه اساساً چرا باید یک متن ناآشنا برای مخاطب ایرانی دچار بازخوانی و البته انهدام شود؟

بود - تا وانکار دترین هایش - پای ثابت کارهای کوهستانی و بیسانی - به نظر نه از یک بعد فکری یا هنری، که از یک تقلید کور کورانه می‌آید. حتی دکور نمایش «درس بی پایان» ذهن را به سمت آن هم در باره مدرسه است و از قضا آن هم لت و پاراگر متن آلت نبت بود. عدم اتصال میان محتوا و فرم، کمکی به ابهت اجرا نمی‌کند. میلاد نیک‌آبادی شاید موفق به خلق یک اتمسفر تازه و چیدمان - نه میزاسن - جذابی روی صحنه شده باشند؛ ولی باز نمی‌تواند به این پرسش پاسخ دهد که هدف از این اثر چیست و قرار است مخاطب در حین بیرون رفتن از سالن چه چیزی با خود حمل کند. او حتی نمی‌تواند به ما بگوید شخصیت کاسپار - این شخصیت و داستانش در نمایشنامه سایمون نیست - آیا آن روح آبی مهربان است یا آن کاسپار هاوزز معمای که بی‌خبر آمد و بی‌خبر مرد. کاسپار با ویلیام و دزورت «درس بی پایان» هیچ گاه نمی‌تواند ارجاع یادمانه سایمون شود، هیچ وقت جایی در ساختار نمایش پیدا نمی‌کند.

## تئاتر

## تماشاگران تئاتر رازنده نگه می دارند

همسر مرحوم «علی سلیمانی» گفت: تئاتر کار کردن همواره سخت بوده است و تنها به دوران کرونا ختم نمی شود. این هنر همیشه از حمایت محروم بوده و روی صحنه بردن نمایش همواره ریسک حضور تماشاگر را به همراه دارد.

سهیلا جوادی در گفت و گو با میزان درباره آخرین فعالیت خود در عرصه تئاتر اظهار کرد: در حال حاضر مشغول اثری نمایشی با نام «خاموشان» هستیم که به زودی روی صحنه می رود. این نمایش رگه های مذهبی داشته و بیشتر به معضلات اجتماعی می پردازد؛ اثری مذهبی - اجتماعی که سعی دارد مخاطب را به فکر وادار کند. وی اضافه کرد: فارغ از محتوا و داستان این نمایش، جذابیت آن برای من این است که پیش تر علی سلیمانی آن را کارگردانی کرده بود، این نمایش آخرین اثری است که وی، بازی و کارگردانی کرده و همین اتفاق من را برای اجرای این نمایش بسیار مستعد و مشتاق کرده است. این نمایش باز تولید همان اثر بوده که قرار است به نام و کارگردانی علی سلیمانی روی صحنه برود.

وی درباره وضعیت هنر نمایش در دوران کرونا اضافه کرد: تئاتر کار کردن همواره سخت بوده است و تنها به دوران کرونا ختم نمی شود. در کنار تمام سختی ها این ریسک هم اضافه شده که ممکن است دوباره شاهد پیک تازه کرونا به علت سویه جدید آن باشیم و باز هم مشکلات تازه ای را تجربه کنیم. تعطیلی تئاتر یک معضل جدی در دو سال گذشته بوده و امروز هم که من می خواهم این اثر را روی صحنه ببرم از تعطیلی مجدد آن واهمه دارم اما با این وجود تئاتر همه زندگی ما است و باید با تمام فراز و نشیب هایش بسازیم.

## تصمیم گیری برای استفاده از ظرفیت صددرصدی تئاترها



مجید رجبی معمار، مدیرعامل خانه هنرمندان ایران و رئیس تماشاخانه ایرانشهر درخصوص اینکه سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از رفع محدودیت های کروئایی سینما و استفاده از ظرفیت صددرصدی سالن های سینما خبر داده ولی در تئاتر هنوز این اتفاق نیفتاده است، در گفت و گویی که با مهر داشت، می گوید: «طبیعتاً تدبیری که برای سینما شده، تدبیر درستی است. با توجه به شرایط مجموعاً مناسبی که به دلیل افزایش میزان واکسیناسیون و پایین آمدن سطح مخاطرات کرونا در کشور هست که البته مستلزم رعایت قواعد بهداشتی و پروتکل هاست، باعث شده تا مسئولان با توجه به اشتیاق مردم برای حضور در مراکز فرهنگی و هنری از جمله، سینماها، فضاها، تئاتری و نمایشگاه ها که دارند به این نتیجه می رسند که از ظرفیت صددرصدی سالن های سینما استفاده کنند که این موضوع مورد توافق قرار گرفت و از سوی ریاست سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز اعلام شد.» وی متذکر شد: «متأسفانه تصمیم گیری در حوزه تئاتر و هنر نمایش خیلی کند بوده و اگر

تصمیمی هم گرفته می شود غیررسمی اعلام می شود. خیلی کند و دیر تصمیم گرفته می شود و خیلی مشخص و جدی تصمیم را اعلام و ابلاغ نمی کنند.» رجبی معمار با بیان اینکه وضع سینما قبل از پیک گذشته هم بهتر از تئاتر بود زیرا مسئولان سینما خیلی سریع تر و به نظر من خیلی هوشمندتر عمل کرده اند، یادآور شد: «مسئولان تئاتر ما همیشه در این موضوع تأخیر داشته اند. الان انتظار داریم که مسئولان تئاتر نیز خیلی سریع تصمیم گیری کنند. وقتی اقدامات بهداشتی و پروتکل های بهداشتی در سالن های تئاتر رعایت می شود باید این اجازه را بدهند که سالن های تئاتر هم از ظرفیت صددرصدی خود استفاده کنند.»



گیگی متفاوت و طنز با سیروس ابراهیمزاده

## بازار کسب و کار تئاتر بعد از تاخت و تاز «کرونا» کساد شده است

باید از خودشان پرسید... شاید بتوان گفت «دیگه براشون صرف نمیکنه طفلکیها» (دلخور نشوند... شوخی کردم)

شبکه نمایش خانگی رقابت جدی با تلویزیون پیدا کرده در سریالهایی که تولید می کند آیا پیشنهادی به شما در این مدیوم شده؟

بله خوب است... خوبا رقابت نمایش خانگی با نوع غیرخانگی اش بسیار جدی است. ولی از من تا به حال دعوت به کار نکرده اند. (لطفا بین خودمان بماند)

«کاکتوس» و «آشپزباشی» یکی از آثار به یادماندنی شما در تلویزیون محسوب می شود. درباره این سریال که سال ۷۹ تولید شد. اگر خاطره ای دارید و همکاری تان با آقای هنرمند بفرمایید.

آشپزباشی سریال خوبی بود مثل اغلب دیگر کارهای محمدرضا هنرمند و من یک نقش کوتاه دوست داشتی در آن داشتم. ولی «کاکتوس» داستان مفصلی دارد. این سریال نشأت گرفته از سریال «اختاپوس» بود. از کارهای پرویز صباد. یادش به خیر و گرمی تر باد یاد یاران هنرمند صادق پهرامی. عزت الله نوبی، جهانگیر فروهر، نوذر آزادی و پرویز کاردان... از آن جمع مری آپیک، پرویز صباد و من در قید حیات هستیم.

از خاطرات سریال «کاکتوس» بگوئید.



یکی از هم محله ایهای قدیم من که می دانستم دستی بر قلم دارد و عیالوار و نیازمند است، روزی سراغ من آمد و از من خواهش کرد که به عنوان نویسنده ی متن دست او را در کاکتوس بند کنم. سمعا و طاعتا، با محمدرضا هنرمند در این باره صحبت کردم و او پذیرفت که دوست من متنی به عنوان نمونه بنویسد و به ما بدهد. دوست نویسنده در مدتی کمتر از یک هفته نوشته ی خود را تسلیم کاکتوس کرد و قرار شد در اولین جلسه تمرین ما متن او خوانده شود و نظر جمع همکاران مورد نظر قرار گیرد. در جلسه متن را به دست من دادند که بخوانم برای جمع... چشمتان روز بد نبیند وقتی دفترچه متن را باز کردم، دیدم که دوست ما هرچه متلک و بد و بیراه می دانست بار ما کرده است. و او تنها کسی بود که «کاکتوس» را نمی پسندید.

کرونا هنرمندان بسیاری را از ما گرفت. درباره پیشکسوتانی که با شما دوست و همکار بودند بفرمایید و اگر تمایل دارید یادی از آنها کنید.

یاد می کنم از پرویز پورحسینی، کامبوزیا پرتوی، چنگیز جلیلووند، خسرو سینایی، اکبر عالمی، کریم اکبری مبارکه، کامبیز درمیخش و... گرمی می دارم دیگر یاران و هموطنان و قربانسان جهانی کرونای عبرت آموز آدمیخوار را... باشد که انسان امروز به جای دشمنی با هم نوع و کشت و کشتار یکدیگر از عهده ی براندازی این آدمکش به ظاهر ریزه میزه برآید. شاد زویید و دیر پایید به روزگاران!

مدت هاست از تلویزیون دور هستید آیا دلیلی دارد. آیا پیشنهاد می شود و نمی پذیرید یا خیر؟

بعد از ظهور و تاخت و تاز «کرونا» بازار کسب و کار تئاتر و سریال سازی و... کاسد (لفظ قلم «کساد» شده) و دیگر اینکه من همیشه گزیده (لفظ قلم «کم کاری» «بیکاری») کار کرده ام!

شما در سریالهای تلویزیونی ای به ایفای نقش پرداخته اید که اغلب به نوعی طنز بوده و کارهای پرخطابی هم بوده اند. علت این که دیگر اینگونه آثار در تلویزیون نیست، چیست؟

(به قول برو بچه های قدیمی!) نان سنگک بالای ۱۰ هزار تومان را عشق است...

باری... می نشینم پشت میز و با فال حافظ شروع می کنم:

«صیحم از عرش می آمد خروشی عقل گفت: قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می کنند».

کتاب پرورقی که مجموعه ی نمایشنامه های کوتاه به زبان انگلیسی که سفارش گرفته ام ترجمه کنم. اوایل فتنه عالیجناب کرونا، کار را شروع کرده ام و هنوز ناتمام است...

سیروس ابراهیمزاده نویسنده و بازیگر پیشکسوت فروردین ماه ۱۴۰۰ وارد هشتاد و چهارمین سال زندگی شد. او دارای مدرک کارشناسی ارشد تئاتر از مدرسه هنرهای دراماتیک و موسیقی بیرمنگام انگلستان و آکادمی هنرهای نمایشی - موسیقی لندن و کارشناسی زبان و ادبیان انگلیسی از دانشگاه تهران است و فعالیت هنری را در سال ۱۳۴۶ با تلویزیون و رادیو آغاز کرد.

«تئاترین سردار»، «ولایت عشق»، «کاکتوس»، «آرشگاه زیبا»، «خانه ما»، «حس سوم»، «آشپزباشی» و «ساختمان پزشکان» از جمله آثار این هنرمند در تلویزیون محسوب می شوند. بازی در فیلم «حسن کچل» به کارگردانی علی حاتمی نخستین تجربه سینمایی اوست. از عمده نمایشهای ابراهیمزاده می توان به «اتللو»، «جعفر خان از فرنگ برگشته»، «ملیحه» و... نیز اشاره کرد.

سیروس ابراهیمزاده که سالها در تلویزیون، سینما، تئاتر و رادیو فعالیت کرده، مدتی است حضور چندانی در عرصه بازیگری ندارد و شاید یکی از آخرین کارهای او که بتوان از آن نام برد، سریال «ساختمان پزشکان» باشد. این هنرمند از فعالیت این روزهایش در حوزه نگارش و ترجمه کتاب سخن گفت.

او همچنین از تاخت و تاز کرونا و دلایل گزیده کاری اش گفت و خاطراتی را از «کاکتوس» به یادماندنی روایت کرد و همچنین هنرمندانی که دیگر در میان ما نیستند.

سیروس ابراهیمزاده - هنرمند با سابقه کشورمان - چندان اهل مصاحبه نیست و به همین دلیل هم کمتر از او گفت و گویی را در رسانه ها دیده ایم. اما به هر ترتیب مصاحبه با ایسنا را می پذیرد و می گوید سوالها را برایم بفرستید.

پس از دریافت پرسشها در تماسی دوباره نظرش برای گفت و گوی او را اینگونه عنوان می کند: «مردم این روزها نیاز به خنده دارند، نیازمند حال خوب هستند، اینکه من چه می کنم برای آنها جذابیتی ندارد، به همین دلیل می خواهم این مصاحبه در قالب طنز باشد و زمانی که آن را می خوانند، خنده بر لبشان بیاید» و پس از آن است که به سوالهایمان با نظم، دقت و ظرافت خاصی خود همراه با لحنی طنزآلود - آنگونه که در آثارش هویداست - پاسخ می دهد.

متن کامل گفت و گوی ایسنا با سیروس ابراهیمزاده به شرح زیر است:

این روزها چه می کنید؛ با شرایط کرونا آیا مشغول به کاری هستید؟

ساعت شش باامداد از خواب بر می خیزم، دمپاییهای پشت پا بسته ام را می پوشم، یکی از پنجره های رو به حیاط را باز می کنم و هوای نیمه سالم صبح پایتخت را به درون دعوت می کنم. نیم ساعت ورزش سبک سوندی... و بعد پنجره را بسته کیپ می کنم باری... سپس به سرعت برقی ولی آرام و بی سر و صدا صبحانه را می زم توی رگ

## تئاتر پیشران سایر هنرهاست



مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل گفت: هنر نمایش و تئاتر موتور محرک و پیشران سایر هنرها محسوب می شود. عبدالله بحرالعلومی در آئین اختتامیه بیست و نهمین جشنواره تئاتر اردبیل اظهار کرد: برگزاری جشنواره استانی تئاتر به عامل همگرایی و همدلی بیشتر اصحاب هنر نمایش و تئاتر منجر شده تا بعد از رکورد دو ساله رونق مجدد سالن های نمایش را شاهد باشیم.

وی از تئاتر به عنوان هنر جامع و کامل یاد و خاطر نشان کرد: اگر تئاتر و نمایش رونق یابد به دنبال خود رونق و توسعه سایر هنرها را نیز به همراه خواهد داشت که از همین روی تئاتر را پیشران سایر هنرها می دانیم.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل روزهای خوش هنر نمایش را به فعالان این عرصه نوید داد و بیان کرد: با گذشت ۹ ماه از سال چهارم جشنواره تئاتر در شهرستان های مختلف برگزار شده و یا در مرحله برگزاری است.

بحرالعلومی تصریح کرد: جشنواره تئاتر مغان در بيله سوار و جشنواره خلخال در این شهرستان در ماه های گذشته برگزار شد و این سومین رویداد هنر نمایش است که با حضور هشت گروه نمایشی در اردبیل و به مدت سه روز برگزار شد. وی ادامه داد: تا یک ماه آینده جشنواره منطقه ای مشکین شهر برگزار می شود تا در کمتر از ۹ ماه برگزاری چهارم جشنواره تئاتر را شاهد باشیم.



نمایش بانوی محسوب من گلاب آدینه

## همچنان باصندلی های خالی

تماشاخانه داران منتظر تأیید ستاد مقابله با کرونا برای استفاده ۱۰۰ درصدی از ظرفیت خود هستند

فهیمة پناه آذر  
روزنامه نگار

بر خلاف سینما، تئاترها هنوز با ۵۰ درصد ظرفیت سالن های نمایش بلیت فروشی دارند. با این حال تقریباً تمام تماشاخانه ها اجراهای خود را به شکل رسمی شروع کرده اند و بلیت شلوغی اجراها از آذر ماه آغاز شده است. هر شب بیشتر از ۷۰ نمایش در سالن های نمایشی اجرا می شوند. به گفته قادر آشنا، مدیر مرکز هنرهای نمایشی، جلساتی با مدیران وزارت بهداشت گذاشته شده است. بحث حذف محدودیت های کرونایی تئاتر هنوز قطعی نشده، ولی نگاه ستاد ملی مقابله با کرونا و همچنین وزارت بهداشت به حذف محدودیت ها مثبت است.

چرا تصمیمات در تئاتر کند است؟  
مجید رجبی معمار، مدیر عامل خانه هنرمندان و رئیس تماشاخانه ایرانشهر درباره رفع محدودیت ها و ظرفیت ۱۰۰ درصدی سالن های تئاتر می گوید: «تدبیری که برای سینما شده، تدبیر درستی است. به کار بستن این تدابیر با توجه به شرایط، افزایش میزان واکسیناسیون و پایین آمدن سطح مخاطرات کرونا در کشور است که البته مستلزم رعایت قواعد بهداشتی و پروتکل هاست و باعث شده تا مسئولان با توجه به اشتیاق مردم برای حضور در مراکز فرهنگی و هنری از جمله سینماها، فضاهای تئاتری و نمایشگاه ها به این نتیجه برسند که از ظرفیت ۱۰۰ درصدی سالن های سینما استفاده کنند که این موضوع مورد توافق قرار گرفته است. متأسفانه تصمیم گیری در حوزه تئاتر و هنر نمایش خیلی کند بوده و اگر تصمیمی هم می گیرند غیررسمی اعلام می شود و خیلی مشخص و جدی تصمیم را اعلام و ابلاغ نمی کنند.»



جلسه های برای رفع محدودیت ها قادر آشنا، مدیر مرکز هنرهای نمایشی درباره زمان رفع محدودیت ها و فروش بلیت ها به شکل کامل در تماشاخانه ها به همشهری می گوید: «ما

از مدت ها قبل پیگیر حذف محدودیت های کرونایی تئاتر بودیم؛ به این دلیل که در گروه ۲ مشاغل کرونایی قرار داریم و محدودیت ها برای مشاغل گروه مشابه مانظیر هواپیمایی با رعایت شیوه نامه های بهداشتی کم یا برداشته شده است.» وی در ادامه می افزاید: «با آقای محسن فرهادی، معاون فنی سلامت محیط وزارت بهداشت که در برگزاری سی و نهمین جشنواره تئاتر فجر هم به لحاظ شیوه نامه های بهداشتی و هم گرفتن تست بی سی آاز هنرمندانی که قرار بود در جشنواره حضور داشته باشند همکاری تأثیر گذاری داشت، گفت و گوها و جلساتی داشتیم تا با نگاه همکاری با هنرمندان تئاتر و همچنین رعایت قانون، جلسه های رابری چگونگی حذف محدودیت های کرونایی تئاتر و استفاده از ظرفیت ۱۰۰ درصدی سالن ها داشته باشیم.» آشنا همچنین تصریح می کند: «باید در جلسه مدنظر، شیوه نامه بهداشتی برای حذف محدودیت ها تدوین شود و به محض ابلاغ و قانونی شدن استفاده از ظرفیت ۱۰۰ درصدی سالن، حذف محدودیت ها را اعمال خواهیم کرد؛ زیرا به دنبال کار عالمانه و قانونی هستیم.»

نمایش هایی با قیمت ۱۵۰ و ۱۰۰ هزار تومان حالا که ظرفیت فروش بلیت های نمایشی همچنان ۵۰ درصد است، نکته قابل توجه، ترافیک اجرا در نیمه دوم آذر ماه است؛ نمایش هایی که برخی از آنها با قیمت های بیشتری قرار است اجرا شوند. نمایشگاه «پاراسایگاه» به دراماتورژی ارسلان گل محمدی، اجرای خود را از ۱۴ آذر شروع می کند. «کمپانی مرگ» امیررضا ملکی و به تهیه کنندگی سجاد افشاریان از دیگر نمایش هایی است که از نیمه آذر ماه در سالن صنوبر شهزاد روی صحنه می رود. افشاریان از دوم دی هم نمایش «بک تو بک» را در شهزاد اجرا می کند؛ نمایشی که قیمت بلیت ۴۰، ۱۰۰ و ۱۵۰ هزار تومانی دارد و پس از کرونا و بعد از نمایش «بانوی محسوب من» گلاب آدینه که بلیت ۹۰ هزار تومان تعیین شد، این گران ترین قیمت حاضر در اجراهای تماشاخانه است.

گروه های حرفه ای در صف اجرا تعداد اجراها در نیمه آذر ماه بیشتر می شود. یکی از

### نمایش برگزیده تئاتر فجر روی صحنه

«باب بار» عنوان نمایشی به کارگردانی ایمان زاده است که نوید محمدزاده تهیه کنندگی آن را برعهده دارد. این نمایش از هفته پایانی آبان اجرایش را آغاز کرده و تا نیمه دوم آذر ادامه دارد و در جشنواره سی و نهم نیز جزو نمایش های برگزیده جشنواره بود. «باب بار» روایت ۳۰ زندگی است که روی صحنه می رود. از ۹ آذر هم «روزمرگی» به نام حسن پور در سالن انتظامی خانه هنرمندان اجرایش را آغاز کرده؛ نمایشی که رده سنی را ۱۵ سال تعیین کرده است. «تصویر مصور مظفری» هم از دیگر نمایش هایی است که در سالن ناظرزاده ایرانشهر از ۱۰ آذر اجرایش شروع شده است.



کارگردانی که قرار است اجرای خود را داشته باشد، ابراهیم پشت کوهی است که همیشه تماشاگر خودش را دارد. پشت کوهی که پیش از این «نمایش «تنها سنگ اولی می داند چرا پارس می کند، مکتب» و «تنها خرنجنگ خانگی لای ملاقه ها خانه می کند، انللو» را روی صحنه برده بود، در جدیدترین تجربه کارگردانی خود سراغ نمایشنامه «هملت» اثر ویلیام شکسپیر رفته و در اقتباسی مدرن و بومی شده از این اثر، نمایش «هملت پشت کوهی» را روی صحنه می برد.

«مانستر» که سال ۱۳۹۸ به دلیل تعطیلی های عمومی شرایط کرونا در نیمه راه به اجراهایش پایان داد، اکنون با توجه به بهبود وضعیت عمومی و واکسیناسیون گسترده از ۱۴ آذر ماه ۱۴۰۰ بساز دیگر در پردیس تئاتر شهزاد اجرا می شود. از دیگر نمایش های می توان به «او دو» به کارگردانی آرمان شیرالی نژاد اشاره کرد که از پانزدهم آذر ساعت ۱۷:۳۰ در سالن و کیبده پردیس تئاتر شهزاد روی صحنه می رود. «شتر مرغ» به نویسندگی و کارگردانی محمد لهراسیسی به زودی در پردیس تئاتر شهزاد روی صحنه می رود. آخرین اجرای گروه تئاتر مربع ۱۱ نمایش موزیکال «عروس مردگان» به کارگردانی امیدرضا سپهری است که این گروه در جدیدترین فعالیت خود، نمایش «شتر مرغ» را اجرا می کند. میثم عبدی، نویسنده، بازیگر و کارگردان تئاتر هم نمایش جدید خود را بعد از ۴ سال روی صحنه می برد. وی پیش از این «کمدی استشماعات»، «آندورای تئاتر اشتباهات»، «کمدی اتفاقات» را کارگردانی کرده است. «پنگوئن»، مرغ دریایی و چند پرنده دیگر» به کارگردانی میثم عبدی و از تولیدات عمارت نوفل لوشاتو از ۱۴ آذر اجرای خود را آغاز خواهد کرد.

«نوکر شیطان» نوشته رسول بانگین به تهیه کنندگی و کارگردانی مهدی وزوانی از چهاردهم آذر ساعت ۱۹:۳۰ در تماشاخانه اورورا روی صحنه خواهد رفت. محمد تات هم از هفته دوم آذر ماه «جز آن دو نفر هیچ کس باقی نمی ماند» را در نوفل لوشاتو اجرا می کند. «۱۴ نوامبر ۱۹۱۷ تمام بیسیم ها.» به کارگردانی محمدامین بغدادی در نوفل لوشاتو و «فروپاشی کامل جسم» به کارگردانی الهه قاسم زاده در پردیس سپند هم اجراهایشان از نیمه دوم آذر شروع می شود.

